

بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران

دکتر رضا اسلامی ✉

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سیده سارا میریان

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

در میان بزه‌دیدگان، کودکان و نوجوانان بزه دیده نیاز به حمایت بیشتری دارند، زیرا کودکان که آینده جامعه بشری هستند از آسیب‌پذیرترین اعضای این جامعه محسوب می‌شوند. به همین جهت است که مصلحان بشریت از دیرباز تاکنون همواره در حمایت و مراقبت از آنان پیشگام بوده‌اند. این حمایت از طریق اتخاذ یک سیاست افتراقی صورت می‌گیرد. سیاست افتراقی در قوانین داخلی به صورت جرم‌انگاری های خاص در حوزه ی حقوق و آزادی‌های کودکان یا به صورت تشدید مجازات جرایم علیه آنان متجلی می‌شود. زیرا حقوق کیفری به عنوان منعکس کننده ارزشهای بنیادین حاکم بر یک جامعه، علاوه بر نقش آموزشی – فرهنگی که در تقبیح برخی رفتارها دارد، میتواند به عنوان عاملی باز دارنده و پیشگیرانه در ارتکاب برخی رفتارها ایفای نقش کند. ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی در قبال کودکان در راستای اعمال سیاست‌های حمایتی مطابق با معیارهای بین‌المللی، از یک سو و آسیب پذیری آنان در برابر انواع بهره‌کشی‌ها، از سوی دیگر موجب شده که موضوع بردگی جنسی کودکان با هدف ارتقای وضعیت قوانین داخلی به نفع آنها و ایجاد سازوکارهایی برای مقابله با این پدیده مورد بررسی قرار داده شود.

کلید واژه‌ها: بردگی کودکان، قاچاق و توریسم جنسی، ازدواج اجباری، هرزه نگاری کودکان، حمایت کیفری از کودکان.

۱۳۹۲/۷/۵

تاریخ دریافت:

۱۳۹۴/۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

someal@yahoo.com

یکی از زشت‌ترین جنبه‌های اجتماعی زندگی بشریت امروز، سوءاستفاده جنسی از کودکان است که در چند دهه اخیر نیز گسترش دوچندان یافته و به دنبال گسترش مبادلات بین‌المللی، جهانی شدن فقر و مهاجرت، رواج و رشد رسانه‌های نوین، افزایش لجام‌گسیخته سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان به‌عنوان یکی از جذاب‌ترین تفریحات بزرگسالان، واقعیات شرم‌آوری را در جهان امروزی رقم زده است. با نگاهی به وضعیت کودکان تن فروش در کشورهایی مانند تایلند، ایالات متحده، رومانی و لهستان، می‌توان مشاهده کرد که رواج فقر و بیکاری، فقدان آموزش، وجود قوانین نابرابر، عدم وجود حمایت‌های قانونی متناسب از کودکان و شهروندان و در نهایت تحریکات فزاینده جنسی کودکان از سوی رسانه جمعی، از مهمترین مشوق‌های گسترش «صنعت شرم‌آور جنسی» است. البته، در این میان، مادی‌گرایی فزاینده و رشد مصرف‌گرایی نیز نقش مهمی در جرایم علیه کودکان دارند.

به نظر می‌رسد سیاست جنایی کشورها در این مقوله، علاوه بر اینکه باید به عوامل و زمینه‌های بروز این پدیده شوم توجه بیشتری کند، بایستی بر شدت مبارزه کیفری با مرتکبین بردگی جنسی کودکان نیز بیفزاید. ضرورت این امر هنگامی بیشتر می‌شود که در زمینه فحشا و قاچاق جنسی، با باندهای قدرتمند و اغلب بین‌المللی روبه‌رو هستیم و بردگی جنسی، علاوه بر اینکه دارای مرتکبین و عاملین منفرد و تشکیلات غیرمنسجم و نیمه سازمان‌یافته است، از حمایت شبکه‌های بزرگ بین‌المللی و بعضاً متکی به همکاری صاحبان قدرت رسمی - یا حداقل مماشات آنها - نیز برخوردار است. در معرض خطر بهره‌کشی جنسی قرار دادن کودکان می‌تواند به دنبال عوامل متعددی از قبیل بی‌تابی، نژادپرستی، جنسیت‌گرایی و فقر باشد. برای مثال بر پایه تحقیقات انجام گرفته، بسیاری از کودکان که مورد بردگی جنسی قرار گرفته‌اند،^۱ متشکل از گروههای حاشیه نشین از قبیل کودکان متعلق به اقلیت‌های قومی، نژادی و کودکان غیر بومی و کودکانی که در فقر به سر می‌برند بوده است. در حقیقت چرخه خشونت، فقر، محرومیت و تبعیض زمینه را برای نقض حقوق کودک و نوجوان قرار دادن آنها در معرض خطر بردگی جنسی فراهم می‌سازد.^۲

موقعیت جغرافیایی ایران، باعث شده که کشورمان مبداء، مقصد و مسیر ترانزیت قاچاق و بردگی جنسی زنان و کودکان باشد. به همین دلیل دولت در این زمینه نقش کلیدی و محوری دارد. کنترل دقیق مرزها و اتخاذ تدابیر قاطع و باز دارنده قضایی، انتظامی، اطلاعاتی

1. Law Commission of Canada, Restoring Dignity Responding to Child Abuse in Canadian Institutions, Executive Summary (Ottawa, Government Services, 2000, p. 1-2)
2. UN. Doc ELCN. 4/2001/66/Add. 2

و امنیتی به موازات اطلاع رسانی و آگاهی بخشی عمومی از جمله مؤلفه‌های اثر گذار در جهت مبارزه با پدیده شوم قاچاق انسان در ایران است.

قانون گذار ایران به موازات تصویب اسناد بین المللی، تلاش کرده است قوانین داخلی را نیز اصلاح کند، از جمله می‌توان به تصویب «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» که الحاق به کنوانسیون حقوق کودک در اسفند ۱۳۷۲ یکی از عوامل تاثیرگذار در تصویب آن است و تصویب «قانون مبارزه با قاچاق انسان» در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد.

با این وجود، قوانین ایران از نظر یافته‌های جرم شناختی و بزه دیده شناختی و اسناد بین المللی، خلاءهایی در زمینه حقوق کودک دارد که تنها با مطالعه تطبیقی اسناد اخیر و قوانین و مقررات داخلی می‌توان این خلاءها و نارسایی‌ها را روشن ساخت و در نتیجه راهکارهای اصلاحی در جهت حمایت بیشتر از کودکان ارائه داد.

تا کنون مطالبی در حوزه حمایت از حقوق کودک گردآوری شده است با این وجود مقاله حاضر تمام اشکال بردگی جنسی را تحت بررسی قرار داده و با مطالعه تطبیقی اسناد بین المللی و حقوق داخلی سعی در کشف کاستی‌های موجود در حقوق داخلی ایران دارد. اعمال مجرمانه جنسی از قبیل هرزه نگاری، توریسم جنسی، ازدواج اجباری، قاچاق جنسی و فحشای اجباری کودکان، همگی از مصادیق بردگی جنسی هستند لذا مباحث اول و دوم به بررسی بردگی جنسی در قالب مصادیق آن در مقررات بین المللی و قوانین داخلی در جهت مشخص شدن ضعفهای قوانین داخلی و رفع آنها اختصاص داده شده و سازوکارهای مقابله با بهره‌کشی از کودکان در مبحث سوم آورده شده است.

۱. قاچاق جنسی، توریسم جنسی و ازدواج اجباری کودکان

کودکان و نوجوانان به دلیل وضعیت و موقعیت آسیب‌پذیری که دارند بیشتر از افراد بزرگسال در معرض انواع سوء استفاده و بهره‌کشی جنسی، چه در درون خانواده و چه در سطح جامعه قرار دارند. بهره‌کشی بیشترین پیامدهای منفی و بلند مدت را روی کودک باقی می‌گذارد و آثار ناشی از آن شاید هرگز کاملاً ترمیم نشود و کودک مورد سوء استفاده واقع شده همواره علائمی از بزه دیدگی به همراه داشته باشد؛ (خوشایبی، ۱۳۸۲: ۱۳۸). علائمی هم‌چون افسردگی، گرایش به خودکشی، کاهش اعتماد به نفس، اعتیاد، پرهیز از برقراری و ارتباط جنسی بعد از ازدواج و... در روابط آنها با دیگران دیده می‌شود. بنابر این وضع حمایت‌های ویژه در قوانین کیفری برای پیشگیری از بزه دیدگی جنسی آنها، ضروری است.

در این مبحث به بررسی قاچاق جنسی کودکان، توریسم جنسی و ازدواج‌های اجباری کودکان در اسناد بین المللی و قوانین داخلی ایران پرداخته خواهد شد.

۱.۱. قاچاق و توريسم جنسی کودکان

قاچاق انسان یک پدیده گسترده جهانی است و شاید اساسی ترین گام در جهت شناخت و جمع آوری اطلاعات در این خصوص، تعریف قاچاق انسان باشد. در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون اتحادیه آسیای شرقی برای همکاری منطقه‌ای (سارس) راجع به «پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان به قصد روسپیگری» مصوب ۲۰۰۲ تعریفی ارائه شده که با ماهیت قاچاق جنسی کودکان انطباق بیشتری دارد: «انتقال و خرید و فروش زنان و کودکان در درون و بیرون کشورها برای بهره‌کشی با استفاده از پول یا سایر مزایا، اعم از این که با رضایت یا بدون رضایت شخص باشد» بدین سان کنوانسیون سارس، انتقال و خرید و فروش زنان و کودکان در «داخل» کشورها را نیز از مصادیق قاچاق انسان می‌داند. بنابراین، قاچاق کودکان به قصد بهره‌کشی جنسی از آنان را می‌توان به این شرح تعریف کرد: قاچاق کودکان به قصد بهره‌کشی جنسی عبارت است از عمل مجرمانه خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز افراد در سطح بین‌المللی با توسل به هر شیوه ممکن از قبیل اکراه، تهدید، اجبار، تطمیع یا سوء استفاده از اضطرار اقتصادی قربانی و... بی آن که میزان سوء استفاده یا رضایت بزه‌دیده، تاثیری در صدق عنوان مجرم بر مرتکب یا مرتکبین آن داشته باشد (میریان، ۱۳۹۱: ۳۴).

از این تعریف ویژگی‌های جرم قاچاق کودکان استخراج می‌شود:

۱- بین‌المللی بودن جرم؛ ۲- سازمان یافته بودن جرم؛ ۳- بی‌تاثیر بودن رضایت بزه دیده در تحقق عنوان مجرمانه؛ ۴- بی‌تاثیر بودن میزان سوء استفاده در تحقق عنوان مجرمانه.

قاچاق انسان پدیده‌ای محدود به عصر کنونی و یکی دو دهه اخیر نیست و از دهه‌های پیشین نیز اقدامات بسیاری در سطح بین‌الملل برای پیشگیری و سرکوب قاچاق انسان انجام شده که اغلب در قالب معاهدات و اسناد بین‌المللی بوده است.

آن دسته از اسناد بین‌المللی را که به قاچاق انسان، به ویژه قاچاق کودکان اشاره دارد، می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ برخی از این اسناد مانند معاهدات راجع به الغای بردگی در داخل مباحث کلی به موضوع قاچاق کودکان اشاره و آن را ممنوع کرده‌اند. قاچاق انسان رابطه و نسبت نزدیکی با برده‌داری و تجارت برده دارد؛ به همین دلیل از آن به عنوان برده‌داری معاصر یاد می‌شود. این اسناد عبارتند از: ۱- کنوانسیون منع بردگی مصوب ۱۹۲۶. ۲- قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است مصوب ۱۹۶۵. ۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸. ۴- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶. ۵- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، همچنین

کنوانسیون‌های راجع به زنان به ویژه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ و کنوانسیون‌های راجع به کودکان، به ویژه کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و پروتکل الحاقی خرید و فروش کودکان، روسپیگری و هرزه‌نگاری.

اما دسته دوم، اسنادی هستند که در رابطه با قاچاق جنسی کودکان و زنان به تصویب رسیده و دارای مفادی راجع به پیشگیری، سرکوب قاچاق و حمایت از بزه دیدگان و همکاری‌های بین‌المللی است.

بر اساس ماده ۱ مقاله‌نامه‌ی تضمین حمایت مؤثر در برابر معاملات مجرمانه موسوم به خرید و فروش سفید پوستان مصوب ۱۹۰۴^۱، «هر یک از دول متعاهد متعهد می‌شوند مقاماتی را برای تمرکز اطلاعات راجع به اجیر کردن زنان یا دختران در خارج برای فسق تعیین یا مامور نمایند. مقامات مزبور صلاحیت خواهند داشت مستقیماً با سرویس متشابه دول دیگر مکاتبه نمایند» اما هدف اصلی این مقاله‌نامه بیش‌تر متعهد ساختن تک تک دولت‌های متعاهد جهت اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از انتقال زنان و دختران به خارج جهت فسق و روسپیگری بوده است (عبادی، ۱۳۸۳: ۳۲). به همین دلیل ماده ۲ این مقاله‌نامه راه‌هایی را برای پیشگیری از این جرم پیشنهاد داده که عبارتند از: ۱- نظارت بر کارهای راه آهن و بندرهای مسافرتی که معمولاً زنان و دختران را از آن‌جا قاچاق می‌کنند ۲- تربیت و تعلیم ماموران ویژه و اشخاص صلاحیت‌دار و افزایش اطلاعات آن‌ها برای کشف و خرید و فروش مجرمانه ۳- همکاری دولت‌ها در زمینه مطلع نمودن یکدیگر از ورود اشخاصی که سابقاً مرتکب جرم شده‌اند.

قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان مصوب ۴ مه ۱۹۱۰^۲ به منظور برطرف کردن نقایص و نقاط ضعف مقاله‌نامه پیشین در پاریس منعقد شد. مهمترین نقیصه مقاله‌نامه ۱۹۰۴ عدم الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری و تعیین مجازات بود که با وضع ماده یک قرارداد بین‌المللی ۱۹۱۰ مرتفع گردید.

پیش‌بینی غیر انسانی و جنایی بودن هرگونه بهره‌کشی جنسی ولو با رضایت فرد، نقطه مثبت این ماده است، اما اشکال وارد بر آن این است که هم‌چون معاهده پیشین صرفاً قاچاق دختران و زنان را به قصد بهره‌کشی جنسی مورد توجه قرار داده و ذکری از قاچاق سایر افراد و سایر اهداف هم‌چون قاچاق برای کار اجباری و سخت، ازدواج اجباری و استفاده از اعضا و... به میان نیاورده است.

1. International Agreement of 18 May 1904 for Suppression of the White Slave Traffic.
2. International Convention of 4 May 1910 for Suppression of the White Slave Traffic.

پس از جنگ جهانی اول و تشکیل جامعه ملل، تردیدهایی درباره اعتبار اسناد بین‌المللی ایجاد شده پیش از جنگ به وجود آمد که باعث شد دولت‌ها در سال ۱۹۲۱ گردهم آمده و قراردادی را به مقابله‌نامه ۱۹۰۴ و قرار بین‌المللی ۱۹۱۰ ضمیمه نمایند. این کار در واقع به منظور تأیید دوباره اسناد پیشین و اعتبار بخشیدن به آن‌ها صورت گرفت. قرارداد جدید «قرارداد بین‌المللی لغو خرید و فروش زنان و کودکان»^۱ نام گرفت که در مقدمه آن آمده بود؛ نظر به این که دولت‌های امضاکننده مایل به منع کامل تر خرید و فروش زنان و کودکان در مقابله‌نامه ۱۸ مه ۱۹۱۰ هستند، قراردادی را به آن ضمیمه می‌کنند.

به رغم تمام اقدامات انجام شده در سطح بین‌الملل، قاچاق کودکان هم زمان به صورت فزاینده‌ای گسترش می‌یافت و نیاز به تصویب معاهده‌ای کامل‌تر احساس می‌شد تا این که جامعه جهانی به این مهم در دسامبر ۲۰۰۰ در قالب کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فرا ملی (پالرمو) پاسخ داد. طرح کنوانسیون در دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو (ایتالیا) برای امضای دولت‌ها مفتوح گردید و به امضای ۱۴۹ دولت از جمله ایران رسیده است. (سلیمی، ۱۳۸۰: ۳۳۲) و هم‌اکنون ۱۷۹ کشور طرف متعهد این کنوانسیون تلقی می‌شوند.^۲

در این کنوانسیون، تجارت انسان (کودکان و بزرگسالان) و نیروی کار، و تجارت زنان و کودکان به قصد فحشا، در شمار جرائم سازمان‌یافته قرار گرفته‌اند. به علاوه، سه پروتکل الحاقی نیز که تصویب آنها برای متعاهدین کنوانسیون اختیاری است، هر یک جرایمی را تعریف کرده‌اند. این سه پروتکل عبارتند از ۱- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، بویژه زنان و کودکان؛ ۲- پروتکل علیه قاچاق مهاجران از طریق زمینی، دریایی و هوایی؛ و ۳- پروتکل علیه تولید و قاچاق غیرقانونی سلاح‌های گرم، قطعات و اجزاء آنها و مهمات.^۳

در ایران تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، نظام عدالت کیفری در مورد مبارزه با قاچاق اشخاص دچار خلاء بود. به دنبال تحولات بین‌المللی و ارائه گزارش‌هایی مبنی بر قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای همسایه، قانون مبارزه با قاچاق انسان

1. International Convention of 30 September 1921 for the Suppression of the Traffic in Woman and Children

۲. البته الحاق ایران به این کنوانسیون به دلایل متعدد هنوز در دست بررسی است تا با توجه به حساسیت، اهمیت و نگرانی‌هایی که در رابطه با پیوستن به کنوانسیون پالرمو وجود دارد، ابعاد حقوقی کنوانسیون در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و با حضور تمام کارشناسان حقوقی دستگاه‌های ذیربط محاسبه شود و نتیجه نهایی به نمایندگان مردم برای تصمیم‌گیری منعکس شود.

3. www.unodc.org/documents/treaties/UNTOC/Publications/TOC%20Convention/TOCebook-e.pdf.

در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید. این اقدام، خلاء قانونی در این زمینه را رفع کرد؛ اما تعجیل در تصویب آن موجب شد تا بسیاری از موضوعات مربوط به این جرم به سکوت برگزار شود (حبیبزاده، ۱۳۸۸: ۱۰۰). این جرم طبق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان، در صورتی اتفاق می افتد که مبدأ و مقصد قاچاق کشور واحد نباشد؛ یعنی باید یا مبدأ یا مقصد آن ایران باشد و چنانچه مبدأ و مقصد قاچاق هر دو در ایران باشد، جرم محقق نخواهد شد. این ایراد نیز به پروتکل پیشگیری و مجازات قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان الحاقی به کنوانسیون پالمو وارد بود. اشکالی که در کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان برطرف شد. هرچند می توان حالتی را که کودک در داخل ایران برای ارتکاب اعمال جنسی خرید و فروش می شود، بر اساس ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مجازات نمود. ولی بایستی توجه داشت که مجازات مقرر در آن قانون در مقایسه با مجازات مبارزه با قاچاق انسان بسیار کمتر است (مهرا، ۱۳۸۴: ۲۸۴). در حال حاضر، در حوزه قاچاق کودکان دو مقرر قانونی وجود دارد و قانون گذار مشخص نکرده که آیا با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نسخ شده است یا خیر. به نظر می رسد که دو مقرر قانونی با هم تعارض ندارند؛ زیرا ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان - همان طور که گفته شد - به قاچاق کودکان در داخل ایران اختصاص دارد و قانون مبارزه با قاچاق انسان ناظر به قاچاق بین المللی است؛ پس تعارضی بین آن ها وجود نداشته و هر دو مقرر لازم الاجرا هستند.

ارتباط بین گردشگری و آزار جنسی کودکان نیز مدتهاست که به اثبات رسیده است. در همین خصوص سازمان گردشگری جهانی در سال ۱۹۹۵ بیانیه ای در ممنوعیت برگزار کردن تورهای گردشگری جنسی صادر کرد که در آن چنین عملی این گونه تعریف شده: «سفری که با استفاده از ساختار شبکه ای و به قصد ایجاد رابطه جنسی تجاری توسط گردشگرانی است که در کشور مقصد مقیم می شوند».

در واقع توریسم جنسی جریانی است خلاف قاچاق انسان. در قاچاق انسان، فرد را به منظور سوء استفاده و بهره کشی از کشور خودش به کشور دیگر منتقل می کنند در حالی که در توریسم جنسی شخص مشتری، خودش به کشور مورد نظر می آید و به اصطلاح با بلیطی که می خرد اضافه نرخی را برای استفاده از این خدمات در حین اقامت می پردازد (رنجبریان، ۱۳۸۲: ۳۲).

تاثیر گسترش توریسم یا گردشگری جنسی در دامن زدن به پدیده شوم فحشا نقض آشکار حقوق بشر است. از سوی دیگر، زمانی که منطقه ای تبدیل به مقصد گردشگران جنسی شد، آن محل جاذبه ای ویژه برای قاچاقچیان انسان نیز پیدا می کند؛ به گونه ای که به

منظور کسب درآمد و یافتن مشتریان فراوان، افرادی را که به منظور بهره‌برداری جنسی قاچاق نموده‌اند، به آن‌جا گسیل می‌دارند.

توریسم جنسی بدین طریق منجر به گسترش گونه‌ای از قاچاق انسان می‌گردد.^۱ (علیایی زند، ۱۳۸۱: ۱۲۲) سازمان غیر دولتی ایپکت^۲ که از سال ۱۹۹۰ در زمینه مبارزه علیه گردشگری جنسی فعالیت می‌نماید در گزارشی اعلام نمود که با در هم آمیختن توریسم و گردشگری جنسی، ساز و کارهای گردشگری نیز تغییر پیدا کرده و تبلیغات پر زرق و برق آن‌ها در اینترنت حاوی اطلاعاتی نیز در این زمینه است و به مشتریان این امکان را می‌دهد که نیازهای آن‌ها در تعطیلات با سفارشات می‌دهند کاملاً برطرف گردد.

از آنجا که قاچاق و توریسم جنسی به یک معضل جهانی تبدیل شده است جامعه جهانی در صدد جرم‌انگاری این پدیده برآمده و اسنادی را برای مبارزه با آنها به تصویب رسانده است. مجمع عمومی سازمان توریسم جهانی مجموعه رفتارنامه‌های اخلاقی برای گردشگری را در اکتبر ۱۹۹۹ به تصویب رسانید. این رفتارنامه‌های اخلاقی چهارچوبی را برای توسعه پایدار توریسم جهانی تعیین کرد که شامل ۹ ماده است و در ارتباط با اهداف دولت‌ها، برگزار کنندگان تور، آژانس‌های مسافرتی و خود مسافری است.^۳ بند ۳ ماده ۲ این رفتارنامه بیان می‌دارد: «بهره‌کشی از انسان به هر شکلی، به خصوص جنسی و دقیقاً زمانی که نسبت به کودکان اعمال می‌شود، در تعارض اساسی با اهداف توریسم و نفی آن است. همان‌طور که، با این پدیده باید مطابق حقوق بین‌المللی با تمام قوا و همکاری تمامی کشورها، اعم از کشور مورد بازدید و کشوری که مرتکب از آن‌جا آمده مورد مجازات قرار بگیرد».

این رفتارنامه اخلاقی اولین متنی است که برای حل این مشکل راهکار ارائه می‌دهد که بر مبنای میانجیگری از طریق ایجاد کمیته جهانی اخلاقیات توریسم متشکل از نمایندگان

۱. یکی از مسائل مطرح در مورد توریسم جنسی که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، آن است که بزه دیدگان توریسم جنسی، خود به قاچاقچی تبدیل می‌شوند. به نظر می‌رسد این حالت خطرناکترین نوع جرم را شکل می‌دهد؛ زیرا قربانی توریسم جنسی به لحاظ رسیدن به سر حد پستی و فرومایگی و حداقل به تصور خویش طرد از جامعه، زمینه خوبی برای مجرم شدن دارد. شناسایی این دسته از مجرمان و سعی در جلب اعتماد، توان بخشی و بازتوانی آن‌ها، تنها راه برای متوقف کردن انتقام آن‌ها از جامعه است.

2. EPACT (End Child Prostitution and Trafficking). See also: Eslami, Reza & Shapouri, Sara, "Ending Child Sexual Abuse and Exploitation: A Guide for Protecting Children in Iran", Public Law J., Tehran, vol. 1, Aug. 2006, pp. 8-31.

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر به منبع ذیل مراجعه گردد:

Madana Ismail, "More Seek in the Sin City", Sunday Leader, 2 May 1999.

هر منطقه از جهان و نمایندگان هر گروه از سهامداران بخش توریسم یعنی دولت‌ها، بخش خصوصی، سازمان‌های کار و غیر دولتی خواهد بود.^۱

برنامه اقدام کمیسیون حقوق بشر، در عصر خود، برای پیشگیری از خرید و فروش کودکان، فحشا و هرزه نگاری کودکان نیز اعلام می‌داشت که قانون‌گذاری و سایر برنامه‌ها باید در راه مبارزه با توریسم جنسی و ممانعت از آن، هم در کشوری که مشتریان از آن می‌آیند و هم در کشوری که پذیرای آن‌هاست اجرا گردد. همچنین بازار گردشگری جنسی از طریق اغفال کودکان باید مجازات شود.^۲ این موضوع به خصوص در زمینه توریسم جنسی بسیار با اهمیت تلقی شده، چنان‌که در برنامه اقدام استکهلم توصیه شده بخش بازرگانی از قبیل صنعت توریسم را باید علیه بهره‌کشی جنسی از کودک بسیج کرد.^۳ با وجود این، بسیاری از جوامع که به زنان و کودکان به عنوان محصولات فروشی نگاه می‌کنند همواره جاذب توریسم جنسی و مرکزی برای جذب زنان و کودکان در معرض خطر قاچاق و بهره‌کشی هستند.

در مورد توریسم جنسی حقوق کیفری ایران، به دلیل پیوستن به تمامی اسناد حقوق بشری مورد بررسی، مکلف به هماهنگ سازی خود با معیارهای جهانی است. مجلس شورای اسلامی در مقدمه متن قانون الحاق به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء هرزه نگاری کودکان صریحاً اشاره می‌کند که «در مواردی که جهت تحقیق اهداف پروتکل نیاز به پیش بینی مجازات‌های جدید یا تشدید مجازات‌های فعلی باشد، لایحه با نظر قوه قضاییه تهیه و برای سیر مراحل تصویب ارائه خواهد شد». بررسی قوانین کیفری ایران نشان می‌دهد که رفتاری تحت عنوان توریسم جنسی کودکان به صورت خاص جرم انگاری نشده است. با این وجود، جرم انگاری خاص این رفتار و عدول از برخی قواعد صلاحیت شخصی در این زمینه به دلایل زیر ضروری است:

اول؛ جرم انگاری این رفتار علاوه بر اینکه با توجه به کارکرد ارزشی، توصیفی و فرهنگی حقوق کیفری مهم است، می‌تواند به تسری دامنه عناوین مجرمانه بر رفتارهایی که این عمل را تشویق و تبلیغ می‌کنند نیز مبادرت کند. دوم؛ در صورت عدم جرم انگاری این رفتارها، با توجه به اینکه در زمینه حمایت از کودکان در برابر سوء استفاده جنسی، قانونگذار ایرانی بعد از انقلاب، بر خلاف قبل از انقلاب، از یک سیاست کیفری افتراقی سود نمی‌برد و مشخصاً گردشگری جنسی را جرم انگاری نکرده است، عمل توریست‌های جنسی ایرانی در

1. UN. DOC.E/CN.Q/9/add.2, Para 19.

2. UN. Doc. E/CN. 4/Sub.2/1991, Para 41.

3. UN. Doc. E/CN. 4/9 Add.2, Para 91.

قالب جرایم جنسی تا حدی مانند زنا، لواط و مساحقه قابل تعقیب خواهد بود. ولی با توجه به محدود بودن و دشواری راههای اثبات این جرایم، عملاً مجازات جرایم ارتكابی بسیار سخت و تا حدودی غیرممکن می‌شود.

به نظر می‌رسد بر اساس عمل به تعهدات بین‌المللی ایران به ویژه مواد ۳ و ۴ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه نگاری کودکان، قانونگذار ایرانی باید به جرم انگاری رفتارهای گردشگران جنسی کودکان مبادرت نماید. افزون بر این، جرم انگاری گردشگری جنسی کودک نه تنها یک تعهد بین‌المللی حقوق بشری محسوب می‌شود، بلکه به لحاظ ویژگی‌های آرمان‌گرایانه و اخلاقی و اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت اساسی نیز برخوردار است (نجفی ابرند آبادی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

یکی دیگر از مواردی که کودک را در معرض بهره‌کشی جنسی قرار می‌دهد، ازدواج‌های اجباری و مسأله تزویج کودکان می‌باشد که لازم است در ادامه مورد بررسی قرار گیرد.

۲.۱. ازدواج‌های اجباری

بحث اساسی در ازدواج رضایت است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۶ نیز به آن اشاره شده است. به موجب این ماده، ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه مرد و زن واقع شود. در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بیان شده که ازدواج بدون رضایت کامل طرفین هیچ اثر قانونی ندارد، این رضایت نیز باید توسط خود شخص و در چارچوب مقررات بیان شود.^۱

اما ازدواج‌های اجباری در بیشتر موارد، بدون رضایت کودک و نوجوان صورت می‌گیرد و حتی اجازه اظهار نظر را ندارند و در مواردی نیز که کودک به ظاهر رضایت خود را اعلام می‌کند در بیشتر موارد براساس خواست دیگران، چه از طریق خشونت‌های جسمی و روحی و چه با فریب دادن کودک صورت می‌گیرد. حتی در مواردی که کودک براساس رضایت شخصی این عمل را انجام می‌دهد، به آن درجه از رشد و بلوغ نرسیده است که بتواند ماهیت ازدواج و شریک زندگی خود را براساس تعقل و دوراندیشی انتخاب کند و بیش تر

1. United Nation Children, Early Marriage, Child Spouses, Fund, Innocent Research Center, Florence, Italy March, 2001.

تابع احساسات است. در نتیجه این رضایت نیز نمی تواند کامل باشد. ازدواج‌های زودرس، صدمات جسمانی، روانی و ذهنی عمیق بر فرد گذاشته و باعث انزوای شخص می‌گردد.^۱ هر چند در کنوانسیون حقوق کودک به طور مستقیم در مورد ازدواج‌های زودرس ماده ای پیش بینی نشده است، ولی ازدواج‌های زودرس با مواد زیادی از کنوانسیون مغایرت دارد از جمله: مواد ۳۶-۳۵-۳۴-۲۹-۲۸-۲۴-۱۹-۱۲-۶-۳-۲-۱.

ازدواج کودکان در سنین مختلف در ایران به وفور دیده می‌شود و این در حالی است که به دلیل آسیب پذیر بودن کودکان و نوجوانان در ازدواج‌های زود هنگام، اسناد بین‌المللی مختلفی به ممنوعیت این ازدواج‌ها تاکید کرده اند و دولت‌ها را موظف کردند که قوانین خود را مطابق با تعهدات بین‌المللی خود اصلاح و یا تغییر دهند.

بنا بر ماده ۱ کنوانسیون تکمیلی «الغا بردگی، تجارت برده و نهادها و اعمال مشابه برده برداری» مصوب ۱۹۶۵ که مورد پذیرش ایران هم قرار گرفته است، اجبار زن به ازدواج بدون موافقت خود او بردگی تلقی می‌شود. این ممنوعیت شامل هر نوع نهاد یا اقدامی می‌شود که بواسطه آن کودک یا نوجوان زیر ۱۸ سال به وسیله یک یا هر دو والدین یا قیم خود، چه در برابر پاداش چه بدون آن، و به منظور بهره کشی یا کار، مجبور به ازدواج می‌شود.

دولت ایران با قبول و تصویب این پیمان در مجلس پذیرفته است که: ۱- کنوانسیون را به عنوان بخشی از قوانین داخلی خود به رسمیت بشناسد و عمل به مندرجات آن را الزامی کند؛ ۲- قوانین جاری خود را مطابق این پیمان اصلاح نماید؛ ۳- حداقل سن مناسب را برای ازدواج تعیین نماید.

در کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان آمده است:^۲ «نامزدی و تزویج فرزند از نظر قانون قدرت اجرایی ندارد و کلیه اقدامات ضروری از جمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن مناسب برای ازدواج باید به عمل آید و ازدواج در دفاتر رسمی باید ثبت گردد». در این سند دو نکته ی اساسی تصریح شده است: الف) منع تزویج فرزندان؛ زیرا، ازدواج پیوندی است که اراده طرفین در آن دخیل است، نامزدی و ازدواج فرزند به معنای در نظر گرفتن اراده و قصد اوست. ب) حداقل سن مناسب برای ازدواج؛ امروزه اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، حداقل سن ازدواج را به طور طبیعی سن بلوغ تعیین می‌کنند. آن چه مورد اختلاف است، خود سن بلوغ است که در کشورهای متفاوت متغیر است. بهتر بود که در این کنوانسیون، حداقل سن مناسب برای ازدواج نیز قید شود تا کشورها نتوانند به صورت سلیقه‌ای برای تعیین سن بلوغ عمل کنند.

1. UNICEF, Early Marriage, Harmful Traditional Practice, April 2006.

۲. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، در ماده ی ۱۶ خود و نیز ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ و ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، همگی بر ضرورت رضایت در ازدواج تأکید کرده و ازدواج قبل رسیدن به سن بلوغ را ممنوع کرده‌اند (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۳۲-۲۳۱).

قانون‌گذار ایران در صدد حمایت از کودکان در برابر ازدواج غیر قانونی با آنان بر آمده است و البته این جرم انگاری فقط برای کودکان مؤنث پیش بینی شده است. ماده ۶۴۶ ق.م.ا. به عنوان عنصر قانونی جرم فوق مقرر می‌دارد: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده است برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد».

براساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است». در تبصره این ماده آمده است «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد». براساس تبصره ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی نیز سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری تعیین شده است. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که در سال ۱۳۷۰ اصلاح گردید، ازدواج قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است مع‌ذالک در مواردی که مصالحی اقتضاء کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنائاً معافیت از شرط سن اعطا شود. ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کم‌تر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کم‌تر از ۱۸ سال تمام دارند. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۷۰ در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، نسخ و مقرر ذیل جانشین آن شد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

بدین سان، قانون‌گذار تحت تأثیر یافته‌های علمی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، نه تنها سن ازدواج را برای دختران از ۹ سال تمام قمری به ۱۳ سال تمام شمسی افزایش داد، بلکه نکاح قبل از ۱۳ سال تمام شمسی برای دختران و ۱۵ سال تمام شمسی برای پسران را علاوه بر اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح مجاز دانسته است.

از آن جایی که بردگی جنسی از کودکان، موجب ورود صدمه‌های جسمانی، آسیب‌های روانی و اجتماعی به کودکان می‌شود، سازمان‌های بین‌المللی و قانون‌گذاران داخلی برای مقابله با آن اعمالی چون هرزه‌نگاری، وادار کردن کودکان به فحشا و... را جرم انگاری کرده، مرتکبان اینگونه اعمال را قابل مجازات دانسته‌اند.

۲. هرزه‌نگاری و فحشاء اجباری کودکان

عوامل درونی و بیرونی بسیاری در بهره‌کشی جنسی از کودکان و نوجوانان مؤثر است. عواملی مثل فقر، بی‌سوادی، اعتقادات سنتی غلط، بی‌سرپرست بودن و شرایط پایین زندگی مانند سوء تغذیه و عدم کفایت تعلیم و تربیت، کودکان را آسیب پذیر کرده و آنها را در معرض بزه دیده شدن قرار می‌دهد. در این مبحث ابتدا هرزه‌نگاری کودکان در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی بررسی شده و سپس به فحش‌های اجباری کودکان پرداخته می‌شود.

۱.۲. هرزه‌نگاری کودکان

هرزه‌نگاری^۱ کودکان شکل جدیدی از بردگی جنسی و یکی از آثار جهانی شدن نیز محسوب می‌شود. استفاده روزافزون از فناوری‌های پیشرفته مانند رایانه، دوربین‌های ویدیویی دستی، ویدیوهای ضابط، ادیت‌های خانگی، سیستم‌های گرافیکی کامپیوتری، اینترنت و... موجب تسهیل ایجاد و توزیع هرزه‌نگاری کودکان شده و حتی عرضه آنها را نیز ارزان‌تر و در بسیاری موارد کشف آنها را غیرممکن نموده است.^۲

فضای سایبری به ویژه اینترنت نیز تأثیر نامطلوبی بر زندگی کودکان گذاشته و آنها را در معرض تصاویر غیر قانونی هرزه‌نگاری کودکان قرار داده است. این فناوری حتی می‌تواند افکار عمومی را به این سمت سوق دهد که انجام عمل جنسی با کودکان در هر سنی اشکالی ندارد و یا آزار جنسی کودکان چندان غیرقانونی نیست و یا این که تماشای این‌گونه تصاویر و سایت‌ها از طریق اینترنت چندان برای کودکان مضر نمی‌باشد.^۳ امروزه استفاده کنندگان از اینترنت تنها بزرگسالان نیستند؛ بلکه اینترنت نقش عمده‌ای در پر کردن اوقات فراغت کودکان دارد؛ بنابراین باید با مسدود کردن این قبیل سایت‌ها دستیابی کودکان را به آنها محدود کرد.^۴

در حال حاضر ضرورت تصویب قوانین جدید با هدف ممنوعیت تولید، توزیع و تصرف هرزه‌نگاری از طریق اینترنت و مجازات شدید بزرگسالانی که دست به چنین اقدامهایی می‌زنند، احساس می‌شود. همچنین تأثیر روزافزون رسانه گروهی بر کودکان و افزایش استفاده

1. Pornography

2. Global Report of International Dimensions of the Sexual Exploitation of Children, p. 32.

3. Preface to UNESCO Protecting Children On- Line, Final Report, Declaration and Action Plan, Paris 18 -19 January, 1999.

4. UNESCO, 1999, Final Report, Declaration and Action Plan; Sexual Abuse of Children, Child Pornography and Paedophilia on the Internet, an International Conference in Paris on 18 – 19 January, 1999.

از آن‌ها در نمایش‌های خشونت آمیز، موجب افزایش بهره‌کشی جنسی از کودکان و هرزه‌نگاری می‌شود (Richardson, Vol. 62, p. 758).

کمیسیون حقوق بشر نیز در گزارشی در سال ۱۹۹۸ نگرانی خود را از استفاده از تصاویر کودکان به عنوان موضوعات جنسی در تبلیغات برای فروش اجناس ابرار نموده است. عکس‌های کودکان با پوشش‌های نامناسب در کاتالوگ‌های جنسی، منبع بسیار آسانی برای دسترسی سودجویان به مقاصدشان است.^۱

مرتکبان هرزه‌نگاری کودکان، همواره بزرگسالان نیستند. این عمل از ناحیه کودکان هم سن و سال، به ویژه نوجوانان، قابل ارتکاب است. چنان که گزارش شده در برخی شهرهای آفریقا و امریکای لاتین، نوجوانانی تحت عنوان «واسطه‌ها» - که فقط چند سالی از قربانیان پورنوگرافی مسن‌ترند - کودکان زیر ۱۲ سال را که غالباً از طریق معتاد ساختن آن‌ها به مواد مخدر صورت می‌گیرد به پورنوگرافی وا می‌دارند. این کودکان معمولاً کسانی هستند که رابطه‌شان با والدین یا به کلی قطع شده یا بسیار ضعیف است (سید میرزایی، ۱۳۷۸: ۱۶). گروه متخصصان اینترپل^۲ معتقد است: «هرزه‌نگاری کودک پیامد بهره‌کشی یا سوء استفاده جنسی از کودک است که می‌تواند به عنوان ابزار تشویق سوء استفاده جنسی از کودک، از جمله پرینت یا صوت، تمرکز یافته بر عمل جنسی یا اندام جنسی کودکان تعریف شود».

پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک برای فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودک، هرزه‌نگاری کودک را به عنوان «هر نمایش، که بواسطه آن، یک کودک واقعاً یا به طور شبیه سازی به فعالیت صریح جنسی یا هر نمایش اعضای جنسی کودک، شخصیت‌های زمینه‌ای که برای هدف جنسی ترسیم می‌شود، تشویق می‌کند». تعریف می‌کند. هرزه‌نگاری کودک می‌تواند به اشکال مختلف بصری یا صوتی وجود داشته باشد. هرزه‌نگاری بصری کودک عمومی تر است و به معنای ترسیم بصری کودک تشویق شده به فعالیت جنسی صریح، واقعی یا شبیه سازی شده است.

1. UN.Doc. E/CN. 4/1998/Para 101.

۲. اینترپل، سازمان پلیس جنایی بین‌المللی، یک شخصیت حقوقی بین‌المللی و دروازه‌ای به مراجع ذیصلاح اجرای قانون در جهان در مورد وضع اجرای قانون، تلاش‌های پیشگیرانه، آموزشی و یاری رسانده برای تحت کنترل در آوردن جرایم بین‌المللی است. این سازمان دارای یک گروه کاری دائمی در زمینه جرایم علیه خردسالان می‌باشد. موضوعات اصلی که این گروه کاری بدان می‌پردازد، عبارتند از خرید و فروش کودکان، هرزه‌نگاری کودکان، تورسیم جنسی، فرزند خواندگی فرامرزی غیر قانونی.

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به حسینی، بیژن، جرایم اینترنتی علیه کودکان و زمینه‌های جرم‌شناسی آن، انتشارات افراز، ج اول، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۱۹.

با توجه به پیشرفت ارتباطات، هرزه‌نگاری جنبه جهانی به خود گرفته و به یکی از تجارت‌های پر سود تبدیل گشته است.^۱ هرزه‌نگاری کودکان شامل نمایش عکس و فیلم‌های مبتذل و مستهجن از طریق اینترنت، ماهواره و ... است که در منحرف کردن کودکان، به دلیل آسیب پذیر بودن آن‌ها مؤثر و زمینه را برای روابط نامشروع و فحشای کودکان فراهم می‌کند. این اعمال تأثیرات مخرب و خطرناک فیزیکی، روانی و اجتماعی بر کودک داشته و کودک را در آینده با مشکلات روحی، روانی و جسمانی بسیار رو به رو می‌کند. رشد بازار جهانی هرزه‌نگاری از طریق مجلات، کتابها و به ویژه از طریق لوح های فشرده رایانه ای و اینترنت در دهه‌های اخیر، کودکان را با توجه به آسیب پذیر بودن آنها مورد آماج حملات خود قرار داده است.

در سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی حمایت‌های جدی و فراگیری از کودکان برای پیشگیری از هرزه‌نگاری کودکان به عمل آمده است. از آنجایی که کودکان و نوجوانانی که در سوء استفاده‌های هرزه‌نگاری حضور دارند، بیشتر به عنوان قربانی و بزه دیده بررسی می‌شوند تا بزه‌کار، لذا قواعد بین‌المللی درصدد حمایت از کودکان در برابر این اعمال نامشروع برآمده اند: بیانیه حقوق کودک ۱۹۲۴ تصریح می‌نماید که: «کودک باید در موقعیتی قرار داده شود که زندگی شادابی داشته و از هر نوع سوء استفاده ایمن باشد». اصل ۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹ مقرر می‌دارد که: «کودک در برابر هر گونه غفلت، ظلم و استثمار حمایت شود...» مقررات ریاض مصوب ۱۹۹۰ طی مواد ۵۳ و ۴۳ منع هر گونه سوء استفاده جنسی از کودکان و وضع و اجراء قوانینی برای پیشگیری از بزه دیده شدن کودکان در اعمال پورنوگرافیک را توصیه می‌کند.^۲ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به حمایت از کودکان در برابر همه شکل‌های بد رفتاری یا بهره‌کشی از جمله سوء استفاده جنسی اختصاص داده شده است. این موضوع در ماده ۳۴ این کنوانسیون به تفصیل شرح داده شد و دولت‌های عضو متعهد شده اند که کودکان را در برابر همه ی شکل‌های بهره‌کشی جنسی و سوء استفاده جنسی محافظت کنند. این ماده ضمن تاکید بر جنبه‌های جهانی انواع بهره‌کشی جنسی کودکان، دولت‌ها را مکلف می‌دارد که با اتخاذ کلیه تدابیر مناسب، به ویژه به اقدامات ملی، دو جانبه و چند جانبه مبادرت کنند تا از سوء استفاده‌ی استثمار گرانه از کودکان در نمایش‌ها و تصاویر قبیحه (پورنو) جلوگیری شود (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۳۹).

1. UN.Doc.A/Res/54/263,25 May 2000, entered into force on 18 January 2005.
2. Riyadh Rules, Article (43, 53).

این قواعد به تنهایی نمی‌توانند توفیق چندانی در مبارزه با جرایم جنسی صورت گرفته از طریق اینترنت داشته باشند. چرا که آزادی دسترسی به اطلاعات، مبارزه با این امر را بسیار دشوار می‌سازد و رفع این مشکل مستلزم تصویب کنوانسیون‌ها و معاهدات خاص به خصوص در سطح منطقه‌ای می‌باشد. در سال ۱۹۹۱، در استکهلم کنگره جهانی علیه استثمار جنسی کودکان بر گزار شد و یک بیانیه و دستور جلسه صادر شد که طبق آن، اعمال کسانی که به بهره‌کشی جنسی کودکان و نوجوانان مخصوصاً در رابطه با فحشای کودکان، هرزه‌نگاری و قاچاق می‌پردازند جرم شناخته شد. در سال ۱۹۹۹ نیز، کنفرانس وین در مورد مبارزه با هرزه‌نگاری کودکان و نوجوانان در اینترنت، تهیه، توزیع، بهره‌کشی، انتقال، واردات، مالکیت بین‌المللی و آگهی‌های هرزه‌نگاری کودک را جرم اعلام کرد و بر اهمیت همکاری نزدیکتر و مشارکت بین دولت‌ها در مبارزه با این اعمال تأکید نمود. بدین‌سان، در سال ۲۰۰۰، «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، روسپیگری و هرزه‌نگاری کودکان» به تصویب رسید.^۱ به موجب این پروتکل هر دولت طرف قرارداد حداقل تضمین می‌کند که تولید (تهیه)، توزیع، انتشار، واردات، عرضه، فروش یا مالکیت برای اهداف فوق در جهت تهیه نوشته‌ها و عکس‌های مبتذل از کودکان را در قانون مجازات خود بگنجانند، صرف نظر از این که این جرایم را تبعه‌ی داخلی یا بیگانه یا به صورت فردی یا سازمان یافته انجام دهند.^۲ هر دو طرف قرارداد با توجه به مقررات حقوق داخلی خود به طور یکسان در مورد شروع به ارتکاب هر یک از این اعمال و همدستی یا مشارکت در هر یک از این جرایم، این مقررات را اعمال خواهد کرد و برای این جرایم با توجه به شدت آنها، مجازات پیش‌بینی کند.^۳

یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌هایی که در سال‌های اخیر به تصویب رسیده است «کنوانسیون بین‌المللی جرایم سایبر (بوداپست، ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱)» است.^۴ کنوانسیون جرایم سایبر، اولین معاهده بین‌المللی در زمینه جرایم ارتکاب یافته از طریق اینترنت و سایر شبکه‌های رایانه‌ای است که به طور خاص به موضوعاتی نظیر نقض کپی‌رایت، کلاهبرداری کامپیوتری، جعل کامپیوتری، پورنوگرافی کودکان و امنیت شبکه‌ای می‌پردازد. هدف اصلی این کنوانسیون، دنبال کردن یک سیاست جنایی مشترک با هدف محافظت از جامعه در برابر جرایم سایبر، به طور ویژه از طریق تصویب قوانین مناسب و تحکیم

1. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography, Article (1).

2. Ibid, Article (3).

3. Ibid, Article (1).

4. www.conventions.coe.int/treaties/html/185.htm.

همکاری‌های بین المللی است (زینالی، ۱۳۸۸: ۴۳۹). ماده ۹ این کنوانسیون به جرایم مرتبط با هرزه نگاری کودکان اختصاص داده شده و به دنبال تقویت اقداماتی حمایتی از کودکان از جمله حفاظت از آنها در برابر بهره‌کشی جنسی از طریق نوسازی قوانین کیفری در جهت جلوگیری مؤثر از استفاده از سیستم‌های رایانه ای در ارتکاب جرایم جنسی علیه کودکان است.^۱

اصطلاح هرزه‌نگاری در قوانین ایران به کار نرفته است، اما در چند متن قانونی با عباراتی چون «منافی عفت عمومی»، «جریحه دار کردن عفت و اخلاق عمومی»، «مبتذل» یا «مستهجن» به آنها اشاره شده است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۲).

تاکنون در سه متن قانونی، عبارت «مبتذل» توسط قانونگذار تعریف شده است. نخستین بار در تبصره ۱ بند (ب) ماده ۳ «قانون نحوه ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیرمجاز می نمایند» مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴، چنین آمده است: (آثار سمعی و بصری «مبتذل» به آثاری اطلاق می گردد که دارای صحنه ها و صور قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه گیری کند). در تبصره ۱ بند (ب) ماده ۳ همان قانون مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶، نیز همین تعریف عیناً و بدون هیچ گونه تغییری تکرار شده است.

مهم‌ترین ایرادی که به این تعریف وارد است، استفاده از عبارت مبهم «صور قبیحه» است، به ویژه هنگامی که در کنار تعریف «آثار مستهجن» قرار می گیرد، دارای مفهومی نامأنوس می شود. ابهام دیگر آن که، مبتذل محسوب شدن یک اثر حاوی صور قبیحه، مشروط به آن شده است که این اثر، مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه گیری کند، زیرا در متن ماده آمده است: دارای صور قبیحه باشد و مضمون... را تبلیغ ... کند. استفاده از حرف ربط (واو) به این معناست که یک اثر باید هم دارای صور قبیحه بوده و هم مبلغ مضمون مخالف شریعت باشد. پرسش این است که مقصود از شریعت چیست؟ آیا مقصود، فقط قرآن است یا صرف احادیث، احکام فقهی، احکام اخلاقی یا ترکیبی از تمام یا برخی از این موارد؟

این ابهامات در تعریف «مبتذل»، سبب شد قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۱۴ «قانون جرایم رایانه‌ای» مصوب ۱۳۸۸/۳/۵^۲ شرط تبلیغ و نتیجه‌گیری مضمون خلاف شریعت را از

۱. گزارش توجیهی کنوانسیون جرایم سایبر (۱۳۸۷)، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی، کمیسیون سیاست جنایی مرکز مطالعات توسعه قضایی، ص ۲۹

۲. و به عبارت دیگر، تبصره ی ۱ ماده ی ۷۴۲ (قانون مجازات اسلامی) چرا که به موجب ماده ی ۵۵ (قانون جرایم رایانه ای): ((شماره ی مواد ۱ تا ۵۴ این قانون به عنوان مواد ۷۲۹ تا ۷۸۲ قانون مجازات اسلامی

تعریف، حذف و به صرف داشتن «صحنه و صور قبیحه» اکتفا کند، در نتیجه این اصلاح قانونی تا حدی از ایرادهای تعریف قبلی کاسته شده، اما ابهام موجود در چپستی «صور قبیحه» همچنان به قوت خود باقی است.

اصطلاح «مستهجن» نیز در سه متن قانون مذکور تعریف شده است. تبصره ی ۵ بند (الف) ماده ۳ قانون «قانون نحوه ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیرمجاز می نمایند» مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ با تکرار تعریف مندرج در قانون سال ۱۳۷۲، مقرر می دارد: «آثار سمعی و بصری مستهجن به آثاری گفته می شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد» در مقام تحلیل این تعریف، باید گفت که یکی از مصادیق مستهجن، نمایش برهنگی زن و مرد معرفی شده است، با توجه به معنای عرفی زن و مرد، تعریف مذکور، نمایش برهنگی کودکان که از لحاظ عرفی زن یا مرد محسوب نمی شوند را شامل نمی شود. این که با نوعی مسامحه در تعبیر می توان کودکان دختر یا پسر را نیز مشمول عنوان زن یا مرد دانست، را به دلیل مغایرت با اصل تفسیر مضیق نصوص کیفری نمی توان پذیرفت، ضمن آن که از منظر عقلی و عرفی نیز کودکان نسبت به بزرگسالان، نیاز به حمایت بیشتری در مقابل هرزه نگاران دارند.

قوانین ایران در قبال هرزه نگاری بسیار پراکنده است. این امر بدان جهت است که قانونگذار در قوانین مختلف متعرض هرزه نگاری شده و در هر یک از این متون قانونی، مصادیقی را ذکر کرده و احکامی را مقرر نموده است. این امر موجب می شود که محاکم در خصوص هر پرونده با مشکل تشخیص قانون حاکم مواجه باشند و اینکه قلمرو اجرایی هر یک از این قوانین چیست؟ کدام یک از این احکام قانونی نسخ شده اند و کدامها به قوت خود باقی اند؟

بر اساس آنچه گفته شد، پیشنهاد می شود قانونگذار ایران نخست «هرزه نگاری» را مستقلاً جرم انگاری کند، سپس با ارائه تعریفی دقیق، جامع و بدون ابهام و بدون استفاده از واژگان چندپهلوی و تفسیربردار، این عنوان مجرمانه را تعریف نماید. تعریفی که در آن، ویژگی های فرهنگی و سنتی و مذهبی جامعه ایران نیز لحاظ شده باشد.

۲.۲. فحش‌های اجباری کودکان

یکی دیگر از موارد بهره‌کشی از کودکان و نوجوانان در فعالیتهای مجرمانه جنسی، بهره‌کشی از آنها در امر فحشا است که یکی از قدیمی‌ترین پدیده‌های اجتماعی جوامع مختلف است. تحقیقات فراوان انجام گرفته در این زمینه، همگی بیانگر این است که مشکلات اقتصادی در ایجاد این گونه مسائل سهم بیشتری را نسبت به سایر عوامل به خود اختصاص داده است، اگر چه شاید نتوان کودکان را در این خصوص بزه دیده و قربانی صرف تلقی نمود؛ زیرا در این مورد گاه خود کودکان مجرم شناخته می‌شوند.^۲

ماده ۲ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک فحش‌های کودکان را به معنای استفاده از آنها در فعالیتهای جنسی در ازای پرداخت وجه و یا مسائل دیگر دانسته که تعریفی جامع و مانعی قلمداد می‌گردد.

از عوامل متعددی که موجب به فحشا کشیده شدن کودکان می‌گردد، نیازهای برخاسته از فقر آنهاست. اما این موضوع تنها یک بعد این مشکل است. در مراکش از دلایل عمده فحش‌های پسران، کمک به خانواده است. پسران درگیر فحشا پولی را که از این راه به دست می‌آورند، برای تأمین خانواده خود پس انداز می‌کنند.^۳ در برخی مواقع حتی کودکان رابطه خوبی نیز با بهره‌کشان خود دارند و اغلب آنها برای معاینه عمومی به مراکز پزشکی می‌روند.^۴ در عین حال به گفته گزارشگران ویژه، پسران معمولاً از بازگو کردن مشکلاتشان شرم دارند و بسیار مشکل است که بتوان فهمید آنها درگیر فحشا شده‌اند.^۵

ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ در مقام حمایت از کودکان در برابر این گونه سوء استفاده‌ها مقرر داشته «کشورهای عضو کنوانسیون در جهت جلوگیری از تشویق یا وادار کردن کودکان به هر گونه فعالیت جنسی، استفاده استثماری از کودکان در فاحشه‌گری و سایر اعمال غیر قانونی جنسی .. اقدامات ملی را به عمل خواهند آورد».

جدیدترین سندی که به حمایت از کودکان در برابر بهره‌کشی جنسی و به فحشا کشاندن آنها پرداخته، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان است.^۶ این پروتکل در ۱۰ ماده، بر ضرورت همکاری همه جانبه دولت‌ها

1. Prostitution.
2. International labour organization (2000), unbearable to the human heart, ILO/IPEC, PP, 17-18
3. UN.DOC.A/50/728, Para 30.
4. www.unicef.org/media-report.doc.
5. UN.DOC.E/CN/4/2001/78/Add. 2 Para 17.
6. The Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Children on the Safe Children, Child Prostitution and Child Pornography

جهت جلوگیری از تجارت جنسی و فحشا تأکید می‌نماید. پروتکل مذکور نگرش نسبت به کودک مورد بهره‌کشی واقع شده را از مجرم به قربانی جنسی تغییر داده و بهره‌کشی جنسی از کودکان را به عنوان یک آزار کیفری بین‌المللی، قلمداد کرده است و در نهایت خرید و فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان را به یکی از موضوع‌های کیفری در جهان تبدیل کرده و بدین وسیله برخورد کیفری کلیه دولت‌های عضو را صرف نظر از ملیت خاطیان یا مکان ارتکاب جرم، تضمین کرده است.^۱

در حقوق ایران، قانون خاصی درباره اجبار کودکان برای فحشاء تا پیش از انقلاب اسلامی وجود نداشت، اما موادی از قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، مصادیق قابل توجهی از این جرم را پوشش می‌داد. برابر بند الف ماده ۲۰۹ این قانون، ربودن یا مخفی کردن دیگری به عنف یا تهدید و حيله برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن وی به عمل مزبور، موجب حبس جنایی درجه ۲ از ۲-۵ سال بود. همچنین ربودن زن برای ازدواج اجباری با وی، تهدید یا حيله (بند ب ماده ۲۰۹)؛ ربودن یا مخفی کردن افراد کمتر از ۱۸ سال برای عمل منافی عفت، (بند ج ماده مذکور)؛ تشویق و تسهیل در فساد اخلاق و یا شهوترانی افراد کمتر از ۱۸ سال (بند ۱ ماده ۲۱۱ ق.م.ع)، واداشتن دیگران به اعمال منافی عفت یا فراهم کردن وسایل آن (بند ۲، ماده ۲۱۱ ق.م.ع) قوادی و دایر کردن و اداره فاحشه خانه و یا اجیر کردن زن برای شهوترانی (بند ۳، ماده ۲۱۱ ق.م.ع)، جرم انگاری شده بود (نوبهار، ۱۳۸۵: ۲۱۱). حتی در ماده ۲۱۲ مکرر این قانون برای برخی اعمال منافی عفت، مانند مصادیق مذکور در ماده ۲۰۹ به لزوم جبران خسارت مجنی علیه حکم شده بود؛ هر چند به حکم همین ماده هرگاه فحشای اخلاقی مجنی‌علیها مسلم بود، به نفع او حکم به جبران خسارت داده نمی‌شد. قانونگذار در مورد زنان کمتر از ۱۸ سال و نیز در مواردی که مرتکب برای انجام مقصود خود به عنف یا تهدید متوسل شده باشد، مجازات شدیدتری وضع کرده بود. بدین سان قانونگذار افزون بر قوادی، مصادیق قابل توجهی از تلاش برای گسترش فحشا و قاچاق زنان و کودکان را جرم انگاشته بود.

در قوانین پس از انقلاب اسلامی، قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ در مواد ۱۶۵-۱۶۸ به پیروی از فقه، قوادی را از جرایم مستوجب حد شمرد. اما چون قوادی به تنهایی - بویژه به معنای مضیق فقهی آن - نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای موجود در این زمینه باشد، قانونگذار در ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۱۳۶۲ دایر نمودن یا اداره کردن مرکز فساد و فحشا (بند ۱) و تشویق به فساد و فحشا یا فراهم آوردن موجبات آن

1. See Report of the Working Group on Its Third Session, U.N. Doc.E/CN. 4/1997/Para 23.

(بند ۲) را- که پیشتر در ماده ۲۱۱ قانون مجازات عمومی آمده بود- جرم انگاشت و مجازات حبس از یک تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه را برای این اعمال پیش بینی کرد. اما از آوردن دیگر جرایم در این زمینه صرف نظر کرد.

از کاستی‌های مقررات کشور ما در این زمینه، نبود قانونی است که به کودکان قربانی فحشای اجباری، به چشم بزه دیده بنگرد. در حقوق ایران تنها در آیین نامه اجرایی مراکز حمایت بازپروری دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و زنان آسیب دیده اجتماعی (ویژه) مصوب ۱۳۷۶/۵/۱۶ سازمان بهزیستی- که جایگزین آیین نامه مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۸ مصوب همان سازمان شده است- پدیده ای به نام «زنان ویژه» شناسایی شده و برای برخوردهای حمایت‌گرایانه ای از آنان تلاش شده است. برابر این آیین نامه، زن ویژه زنی است که از طریق ایجاد روابط جنسی نامشروع، کسب درآمد و گذران معشیت می‌کند. این اندازه حمایت از تعداد زنان و کودکانی که واقعاً قربانی سوء استفاده های جنسی شده اند، کافی به نظر نمی‌رسد.

۳. سازوکارهای مقابله با بردگی جنسی کودکان

علاوه بر اینکه دولت‌ها متعهد به قانونگذاری و اجرای قانون هستند، مواردی نیز وجود دارد که فارغ از دغدغه‌های قانونی باید به آن توجه نمود در حقیقت بدون ایجاد محیط حمایتی از کودک و زیر ساخت‌های فرهنگی تصویب صرف قانون نتیجه‌ای نخواهد داشت. بنابراین دولت باید در کنار وضع سازوکارهای قانونی اقدام به کشف و باز پروری آسیب دیدگان جرم بردگی جنسی نیز بپردازد و از آنها حمایت کند.

۱.۳. سازوکارهای قانونی

اسناد بین‌المللی که به تصویب دولت‌ها می‌رسد عمدتاً دارای ماهیتی آمره بوده و بدون نیاز به قانون گذاری ملی خود به خود در داخل خاک کشورها قابل اجرا و الزام آور هستند. اما در این میان به مقرراتی نیز بر می‌خوریم که اجرای آن‌ها بنا بر طبیعتشان مستلزم تهیه و تصویب قانونی ملی توسط هر دولت با توجه به نظام حقوقی خاص خود است که این حکم در برخی مواد این معاهدات نیز منعکس شده است. البته تصویب قوانین ملی در زمینه آن دسته از قواعد بین‌المللی که خود به خود قابل اجرا هستند نیز بی‌فایده نیست، زیرا اجرای آنها را تسهیل کرده و در نهایت تضمین می‌کند (صابری، ۱۳۷۸: ۱۷). خصوصاً در زمینه حمایت از کودک در معرض خطر که جامعه بین‌المللی به تازگی ضرورت حمایت از آن را دریافته است. چنانکه برخی دولت‌ها هنوز سازوکار قانونی داخلی را به رغم تصویب اسناد

مختلف بین المللی ایجاد نکرده اند. لذا نیاز قوانین داخلی برای رفع خلاهای تقنینی در حمایت از کودک در مقابل ابعاد مختلف بهره‌کشی جنسی هر چه بیشتر احساس می‌گردد.

۱.۱.۳. تصویب معاهدات بین المللی حقوق بشری

کنوانسیون‌های حقوق بشر در زمره معاهدات چند جانبه‌ای تلقی می‌شوند که مشخصه بارز آنها هنجار آفرینی است. معاهدات حقوق کودک نیز از این دسته از معاهدات است. در حقیقت هدف از تصویب معاهدات قاعده ساز ایجاد تعادل بین حقوق و امتیازاتی نیست که هر یک از دول عضو در رابطه متقابل به طرف دیگر تفویض مینماید، بلکه هدف، بیشتر ایجاد قواعد مشترک بین المللی و بازتاب ارزشهای مشترکی که دول عضو، به رعایت آن در قلمرو خود متعهد می‌گردند، است.^۱

اصولاً هر کشوری که به سندی حقوق بشری ملحق می‌شود منکر لزوم احترام به کرامت انسانی نمی‌شود. سخن در این است که تفسیر کرامت انسانی و تجلی آن در سند مربوطه چگونه در نظر گرفته شده است. از همین‌رو، به نظر می‌رسد که داشتن ملاک‌های دقیق تر و اصول شفاف تری در این زمینه ضروری باشد. به علاوه، معاهدات بین المللی به گونه‌ای هستند که در عمل ممکن است کشورها با شرطهای مبهم و تفسیر بردار به آنها بیبوندند، شرطهایی که در عمل می‌تواند تمام تعهدات قراردادی کشور مزبور نسبت به معاهدات را تحت تاثیر خود قرار دهد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۲۰۳). کمیته حقوق کودک کشورهای عضو را ترغیب می‌کند که با دیدگاهی صرفنظر کننده در قید و شرط خود در مورد کنوانسیون تجدیدنظر کنند.^۲

۲.۱.۳. هماهنگ سازی قوانین داخلی با نظام بین المللی

اکثر کشورهایی که نقض حقوق بشر از دغدغه‌های آنان به شمار می‌رود، در حقیقت از امضاء کنندگان کنوانسیون بین المللی حقوق بشری، به ویژه در مورد زنان و کودکان هستند و به این ترتیب ملزم به اجرای احکام این اسناد می‌باشند. با این وجود، در بسیاری از این کشورها روند تنظیم پیش نویس و تسلیم قوانین اجرایی بسیار کند بوده و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه حتی فرآیندی غیر متعارف قلمداد می‌گردد. علاوه بر این، در برخی از کشورها با اینکه از چنین قوانینی بهره‌مندند فاقد ضمانت اجرایی لازم هستند.^۳ لذا اقدامات

1. Ibid, p. 14.

2. UN. Doc. China, IRCO, Add. 65. Para 24.

3. M. Liss, U.S Department of Justice, Personal Communication, Feb. 6, 1997.

تقنینی و تدوین برنامه‌های عمل آن، با اعمال نوآوری‌ها می‌تواند شروع مجددی برای پیکار با این پدیده معاصر حقوق بشری باشد.

تاثیرگذاری یک عمل در سرزمین بیش از یک دولت ملاک واحدی است که هم می‌تواند مبنای اعمال صلاحیت توسط دولت‌های مختلف گردد و هم جرم را فراملی کند (سلیمی، ۱۳۸۰: ۶).

اهمیت این موضوع را کمیته حقوق کودک نیز یادآور شده است و دولت‌ها را تشویق به گنجاندن اصل مجازات فراملی در قوانین شان می‌کند تا از این موضوع اطمینان حاصل کند که بهره‌کشی جنسی از کودکان که توسط اتباع و افراد مقیم یک کشور در کشورهای دیگر صورت می‌گیرد تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.^۱

۲.۳. کشف و بازپروری

توجه به موقعیت آسیب‌پذیر قربانیان جرم بردگی جنسی، به ویژه پس از وارد شدن صدمات روانی و جسمانی به ایشان و تلاش برای تامین نیازهای آنان اهمیت خاصی دارد. در کنوانسیون پالمو، ارائه‌ی اقدامات حمایتی، پیش‌بینی شده است. ماده‌ی ۲۵ کنوانسیون، دولت‌ها را متعهد به اتخاذ رویکردهایی برای تدارک غرامت و کمک به بزه دیدگان نموده است. زیرا رفتار نامناسب با بزه دیدگان از سوی برخی مجریان عدالت به ویژه سیستم پلیس، دادرسان و سیستم‌های ارائه خدمات اجتماعی، حقوق، منافع و نیازهای این گروه نادیده گرفته می‌شود و تشدید ناملايمات به «بزه دیدگی دومین»^۲ آنها منجر خواهد شد. این امر در مورد بزه دیدگان جرایم جنسی بیشتر مصداق می‌یابد. بدین ترتیب حمایت از بزه دیدگان در جهت جلب اعتماد آنها نسبت به عدالت کیفری و بازگرداندن قربانیان جرایم به بطن جامعه، ضروری است. اقدام‌های حمایت گونه از بزه دیده‌ی بردگی جنسی و حمایت فراگیر از وی، تنها در سایه مشارکت نهادهای دولتی و جامعه امکان پذیر است.

۱.۲.۳. حمایت‌های انتظامی

نحوه برخورد پلیس با بزه دیدگان قاچاق انسان، به ویژه قربانیان جرایم جنسی همراه با توهین و خشونت است که برخاسته از نگرش نادرست نیروی پلیس به این بزه دیدگان است.

1. Belgium. IRco, Add 38, Para 5.

2. Secondary victimization

۳. بزه دیدگی دومین به آسیب ناشی از پاسخگویی نامناسب نهادهای پاسخ دهنده به جرم پس از بزه دیدگی نخستین گفته می‌شود.

پلیس به بزه دیده قاجاق جنسی به عنوان مجرم و خطاکار می‌نگرد و از این گذر شرایط نامساعدی که وی را به این ورطه سوق داده است، نادیده می‌گیرد. افزون بر این، خدمات ارائه شده توسط پلیس می‌تواند خدمات روان شناسی و مشاوره به منظور تشویق بزه دیدگان به افشای اطلاعات خود در خصوص قاچاقچیان و گروه‌های مجرمانه آنان و نیز اطمینان بخشی به بزه دیدگان در این خصوص که در فرآیند کیفری از آنان حمایت کامل به عمل خواهد آمد، باشد. پر واضح است که در فرآیند مددکاری، از مشاوران حقوقی و مترجمان و روان شناسان متخصص، در کنار ضابطان قضایی و پلیس استفاده می‌شود.

۲.۲.۳. حمایت پزشکی^۱

بزه دیده در طول فرآیند بردگی جنسی با آسیب‌های جسمانی به ویژه با خطر بیماری‌های مقاربتی^۲ شامل HIV/AIDS و بیماریها دستگاه تناسلی و خشونت‌های جنسی متعدد دیگر مواجه می‌شود. خدمت رسانی به قربانیان جرایم جنسی الزاماً نیازمند نظام پزشکی اختصاصی است که حمایت‌های ویژه‌ای را ارائه نماید. زیرا قربانیان به دلیل صدمات جسمی و روحی نیازمند توجهات و مراقبت‌های ویژه‌اند، به خصوص آن که در غالب موارد، از مراجعه به بیمارستان و یا اورژانس و افشای اسرارشان ترس دارند.^۳ حال آنکه اگر امکان مراجعه به فوریت‌های ویژه را داشته باشند، از خطرات متعاقبی که در انتظارشان است رها می‌شوند.

۳.۲.۳. حمایت حقوقی

اینگونه اقدام‌های حمایتی به معنای دریافت خسارت ناشی از جرم وارده بر بزه دیده است که متمرکز بر جبران خسارت‌های مالی، از یک سو و جبران خسارت‌های عاطفی، از سوی دیگر است.

اهمیت این امر در مورد بزه دیدگان بردگی جنسی که غالباً از نقطه نظر وضعیت اقتصادی، آسیب پذیر بوده و در شرایط فقر شدید به سر می‌برند دارای اهمیت است، به ویژه آن که این گونه بزه دیدگان از جامعه و خانواده‌ی خود رانده می‌شوند و دریافت خسارت‌های مالی و معنوی نوعی اقدام پیشگیرانه برای حمایت از بزه دیدگی مجدد آنان تلقی می‌شود.

1. Medical supports
2. Sexually transmit diseases
3. Trafficking in Person, op. cit, p 15.

همچنین رفع عنوان‌های مجرمانه از جمله روسپی‌گری و فحشا و اشتغال در کارهای خلاف قانون و به تبع آن عدم پیگرد قضایی به خاطر جرایمی که کودک اجبار به انجام آن شده است، می‌تواند مؤثر باشد (بوسار، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۶). اگر چه مباحثی از قبیل رضایت یا نارضایتی بزه دیده از بردگی جنسی، برخی حقوقدانان را بر آن داشته که تنها نارضایتی بزه دیده از ارتکاب اعمال مجرمانه را عامل رفع عنوان مجرمانه بدانند، با این حال برخی دیگر از نواندیشان رضایت کودک در ارتکاب جرائم جنسی را بی اعتبار می‌دانند و کودک قربانی را در هر صورت مستحق دریافت کمکها و راهنمایی‌های ویژه حمایتی می‌دانند که خوب است قانونگذاران این رویکرد را در قوانین، ضابطه‌مند و ضمانت اجرا دار کنند.

نتیجه‌گیری:

با نگاهی اجمالی به اسناد حقوق بشری مربوط به کودک، درمی‌یابیم که اسناد بین‌المللی با واژه‌ها و عبارات‌های بسیار زیبا و آرمانی، حقوق کودک را احصاء و تضمین کرده‌اند و اگر نتوان گفت که تمامی حقوق کودک را مورد حمایت قرار داده‌اند، اما می‌توان اذعان داشت که اینگونه اسناد و در رأس آن کنوانسیون حقوق کودک، شرایطی را به وجود آورده‌اند که دیگر کودک نه تنها به صورت یک بزرگسال کوچک قلمداد نمی‌شود، بلکه هر کودک از حقوق انکار ناپذیری برخوردار است. تحت تأثیر چنین اسنادی، شمار روز افزونی از دولت‌ها قوانین کیفری خود را در رابطه با مرتکبان جرایم جنسی علیه کودکان، اصلاح می‌کنند، اما گستره‌ی این اصلاح از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. این امر خود باعث بوجود آمدن چارچوب‌های قانونی گوناگون در سطح بین‌المللی شده است که موجبات افزایش نگرانی در خصوص نقض حقوق بشر و حمایت از کودک در معرض خطر سوء استفاده‌ی جنسی را پدید آورده است. در نتیجه با وجود اسناد بین‌المللی متعدد و متنوع برای مقابله با بردگی جنسی کودکان، فقدان تعقیب جزایی و ناکافی بودن همکاری‌های بین‌المللی باعث ایجاد شکافی شده که کودک را هرچه بیشتر در معرض خطر بهره‌کشی قرار می‌دهد.

اطلاع‌رسانی درباره پدیده بردگی جنسی در ایران بسیار ضعیف است. در حقیقت در جامعه ما با قبیح شمردن این گونه اعمال، فضایی ایجاد شده که قوانین ما به صورت جدی این موضوع را مورد توجه قرار ندهند. در حقیقت جرایم جدید علیه کودکان و نوجوانان و عناوین مجرمانه مربوط شناسایی نشده است. چه در قانون مجازات و چه در قانون مدنی عنوان مجرمانه صریحی درباره‌ی بردگی جنسی وجود ندارد و تاکنون در برخورد با چنین مواردی تنها به عناوین مجرمانه‌ی کلی مانند رابطه نامشروع، قوادی و آدم ربایی بسنده شده است.

پیشرفت‌های جدید جهانی، زمینه ظهور جرایم جدیدی را به وجود می‌آورد که ناچار از پیش بینی آنها در قوانین هستیم. در صورتی که صرفاً بخواهیم با تکیه بر قوانین موجود و تغییر آنها و ارتباط آن با قوانین و جرایم جدید پیش برویم شاید شرایط مجازات و پیگیری اینگونه جرایم فراهم نشود. حال با توجه به اینکه کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی توسط جمهوری اسلامی ایران به امضاء رسیده و در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، تدوین فوری قوانین جامع و کارآمد ضروری به نظر می‌رسد.

پس از جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودک و نوجوانان، اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری شدید چه از نظر نوع و چه از نظر میزان، در چارچوب سیاست کیفری برای مرتکبان جرایم علیه کودکان از مؤثرترین اقدام‌ها به شمار می‌آید. در کنار جرم‌انگاری و کیفر گذاری به عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوقی در راستای حمایت از کودک و در جهت جبران آسیب‌های وارده به او، پیش بینی سازوکار جبران آثار بزه‌دیدگی نیز ضروری است. لذا هرچه گستره سازوکار جبران، فراگیر و متنوع باشد، از آسیب وارده در بردگی جنسی کودک کاسته و تاحدی از آسیب‌ها جبران خواهد شد.

بنابراین ضروری است که قانون‌گذار از طریق وضع سازوکارهایی در مرحله اول، فرایند کشف جرم و مطلع شدن دستگاه عدالت کیفری از وقوع جرم علیه کودکان را تسهیل نماید تا بدین ترتیب کودکان بزه دیده بتوانند وارد فرایند دادرسی گردند و در گام‌های بعدی با پیش بینی قوانینی خاص نه تنها از آسیب پذیری بیشتر کودکان در درون فرایند کیفری ممانعت کنند، بلکه با تسریع رسیدگی‌ها و حمایت‌های افتراقی در راستای پیش‌گیری و کاهش بهره‌کشی از کودکان و ترمیم خسارت‌های وارده به این بزه‌دیدگان خاص، حرکت نمایند.

همچنین اعمال سازوکارهای مناسب پیشگیری از مهم‌ترین عوامل کاهش بزه‌دیده شدن کودکان است. پیشگیری از طریق مجموعه اقداماتی برای حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و نیز مدیریت عوامل محیطی، صورت می‌گیرد. لذا بالا بردن سطح آگاهی افراد در معرض خطر، بخصوص کودکان و نوجوانانی که در شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی زندگی می‌کنند، از رهگذر آموزش، ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، دولت باید تدابیری را در راستای ریشه کن کردن فقر و بیکاری در سطح کلان جامعه اتخاذ کند و لازم است فرصت‌ها و مناسبت‌های ارتکاب جرایم جنسی علیه کودکان با تدابیری مانند نظارت بر اماکن توریستی، نظارت بر بنگاه‌های کاریابی و کنترل مرزها، کاهش یابد. وضع سازوکارهای پیشگیرانه در کنار جرم‌انگاری‌های خاص، مناسب‌ترین و معقول‌ترین شیوه برای مقابله با پدیده بردگی جنسی کودکان است.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. اشتری، بهناز (۱۳۸۵)، **قاچاق زنان بردگی معاصر**، تهران: نشر میزان.
۲. السان، مصطفی (۱۳۸۴)، «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی، از منع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان»، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۱۶، صص ۳۶۴-۳۲۹.
۳. امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۱)، **مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. بکاریا، سزار (۱۳۸۰)، **رساله جرایم و مجازات‌ها**، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
۵. بوسار، آندره (۱۳۷۵)، **بزهکاری بین‌المللی**، ترجمه نگار درخشانی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۶. بیگی، جمال (۱۳۸۴)، **بزه دیدگی کودکان در حقوق ایران**، چاپ اول تهران: نشر میزان.
۷. جنانی، عادل (۱۳۸۱)، **بررسی جرایم صوتی و تصویری در فقه و حقوق موضوعه**، تهران: ناشر ادیبان.
۸. چیللا، سزار (۱۳۸۶)، «مشوق‌های شرم آور سوء استفاده جنسی از کودکان»، **سیاحت غرب**، شماره ۴۹، صص ۲۹-۲۷.
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر، رحمانیان، حامد (۱۳۹۰)، «هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۷۶، صص ۱۲۲-۸۹.
۱۰. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ مقدسی، محمدباقر و جعفری دولت‌آبادی، عباس (۱۳۸۸)، «قاچاق انسان در حقوق کیفری ایران»، **مدرس علوم انسانی**، شماره ۶۳، صص ۱۲۴-۹۹.
۱۱. حسینی، بیژن (۱۳۸۳)، **جرایم اینترنتی علیه کودکان و زمینه‌های جرم‌شناسی آن**، تهران: انتشارات افراز.
۱۲. خوشایبی، کتابون (۱۳۸۲)، «گزارش یک مورد سوء استفاده جنسی»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۷، صص ۱۴۰-۱۳۱.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۰)، «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۴۹-۴۸، صص ۱۶۸-۱۲۳.
۱۴. رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۲)، «اشکال معاصر بردگی، استثمار زنان و کودکان»، گزارش سمینار ارائه یافته‌های چهار مطالعه، مرکز مطالعات حقوق بشر.

۱۵. زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۸)، «جهانی شده حقوق کیفری در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه دیدگی و موانع و مقتضیات حقوق ایران»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۶. سلیمی، صادق (۱۳۸۰)، «جنایت سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالرمو و آثار آن»، مجموعه مقالات اولین همایش حقوق بشر دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۱۶۹-۲۱۲.
۱۷. سلیمی، صادق (۱۳۸۲)، جنایات سازمان یافته فرا ملی، تهران: انتشارات تهران صدا.
۱۸. سید میرزایی، سید محمد (۱۳۷۸)، «کودکان آسیب پذیر شهری»، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۸ و ۲۷، صص ۱۹-۱.
۱۹. شفیع آبادی، دکتر عبدا... (۱۳۶۲)، تربیت کودک، جلد دوم، تهران: شرکت سهامی چهر.
۲۰. صابری، هنگامه (۱۳۷۸)، ضمانت اجرا در حقوق بشردوستانه، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۲۱. عبادی، شیرین (۱۳۷۵)، نگاهی به مسائل کودکان در ایران، جلد اول، تهران: انتشارات کانون.
۲۲. عبادی، شیرین (۱۳۸۳)، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، تهران: روشنگران.
۲۳. عباچی، مریم (۱۳۸۰)، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات مجد.
۲۴. علیایی زند، شهین دخت (۱۳۸۱)، «ازدواج نامناسب بستری زمینه ساز برای روسپیگری»، مجله رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۵، صص ۱۴۲-۱۱۷.
۲۵. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۲)، حقوق بشر در جهان معاصر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۶. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۷۴)، «تزیوج کودکان، بررسی مبانی فقهی، مقایسه و تطبیق آن با حقوق ایران و اسناد بین المللی»، نامه مفید، شماره ۲، صص ۱۵۴-۱۲۹.
۲۷. قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۱)، «سن بلوغ»، نشریه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۲۵، صص ۴۴-۳۱.
۲۸. مدنی، سعید (۱۳۸۳)، کودک آزاری در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات اکنون.
۲۹. مصفا، نسرين (۱۳۸۳)، کنوانسیون حقوق کودک و بهره برداری از آن در حقوق داخلی ایران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران: موسسه حقوق تطبیقی و مرکز مطالعات حقوق بشر.
۳۰. معظمی، شهلا (۱۳۸۴)، جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، تهران: نشر دادگستر.

۳۱. مهرا، نسرين (۱۳۸۴)، «حمایتهای حقوقی - کیفری از اطفال در برابر بزهکاری در حقوق ایران»، نشریه تحقیقات حقوقی، صص ۲۷۱-۲۸۸.
۳۲. مهرپور، حسین (۱۳۸۰)، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
۳۳. میریان، سیده سارا (۱۳۹۱)، «بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین المللی حقوق بشر با مطالعه موردی حقوق ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۳۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، خالقی، علی، زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۸)، «حمایت کیفری از کودکان در برابر توريسم جنسی، از منبع جهانی تا واکنش نظامهای کیفری داخلی»، نشریه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۰، صص ۸۱-۱۲۲.
۳۵. نوبهار، رحيم (۱۳۸۵)، «قاچاق زنان برای روسپیگری از منظر آموزه های اسلامی با نگاه به مقررات بین المللی و حقوق ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۳، صص ۱۸۷-۲۲۰.

ب. خارجی:

1. African Charter on the Rights and Welfare of the Child, OAU Doc.
2. Dash, Mehryar, **The Reaction of International Law towards the Commercial Sexual Exploitation of Children**, Allameh University, 2001
3. Declaration of the Right of the Child, 1924 and 1959
4. Draft declaration and agenda for action world congress against commercial sexual exploitation of children, Stockholm, Sweden, August 1996
5. Eslami, Reza & Shapouri, Sara, **“Ending Child Sexual Abuse and Exploitation: A Guide for Protecting Children in Iran”**, Public Law J., Tehran, vol. 1, Aug. 2006, pp. 8-31.
6. Fernand Laurent, **Report of the Special Reporter on the Suppression of the Traffic in Person and the Exploitation of the Prostitution of others**, ECOSOC E/1983/717 March, United Nations, Geneva, 2001
7. Fiona, David, **Trends and Issues in Crime and Criminal Justice: Child Sex Tourism**, 156 Aust. J. of Criminology, 2000
8. Global Report of International Dimensions of the Sexual Exploitation of Children, UNESCO, 2001
9. Gregory Richardson, **Exploitation of Child Labor and Bonded Labor**, International Review of Penal Law, Vol. 62, p. 758.
10. Guidelines on Refugee Children, The High Commissions of Refugee, 1988
11. Heffernan William and Kleing John; **From Social Justice to Criminal Justice**, New York, Oxford University Press, 2000
12. ILO Convention the Prohibition and Immediate Action for Elimination of the Worst Forms of Child Labor, January 2002.
13. Kelly, L. & Regan, L., **Rhetoric and Realities: Sexual Exploitation of Children in Europe**, London: Child and Woman Abuse Studies Unit, 2000

14. Kempadoo, K. & Ghuma, R., **For the children: Trends in international Policies and Law on Sex Tourism**, UNICEF, 1999
15. Linz, Daniel, **"Pornography, Effects of Exposure to"**, Encyclopedia of Psychology and Law, SAGE Publication 2007
16. M. Cherif Bassiouni, **Crimes Against Humanity In International Criminal Law**, the Netherlands, Kluwar Law International, 1999
17. Patrignani, Aand Ville.R, **Violence in the Family; An International Bibliography**, United Nations Interregional Crime and Justice Research Institute (Unicri), Rome, 1995
18. Report on the Mission of the Special Reporter on the Issue of Commercial Sexual Exploitation of Children to the Kingdom of Morocco, 7 Nov 2000
19. Rhona K. M. Smith, **Text Book on International Human Rights**, 20th edition, Oxford University Press, 2005
20. Sharon Detrick and Paul Vlarding Erbroek, **Globalization of Child Law**, Martinus Pub., 1999
21. Smith Preston, **"A Corridor of White Slavery"**, Polish Business News, April 2001
22. The U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprived of Their Liberty, 1990
23. The Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Children on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography, 2002
24. The Convention on Cyber Criminality, 2004
25. UNESCO, Final Report, Declaration and Action Plan; Sexual Abuse of Children, Child Pornography and Pedophilia on the Internet; an International Conference 18-19 January, Paris, 1999
26. UNHCR, Refugee Children and Adolescents: A Progress Report, Executive Committee of the High Commissioners Program, 2003
27. Van Bueren, **International Documents on children**, Dordercht, Boston, London, Martinus Nijhoff Publishers, 1993

ج. پایگاه‌های اینترنتی:

- www.unodc.org/documents/treaties/UNTOC/Publications/TOC%20Convention/TOCebook-e.pdf.
- www.unicef.org/protection/57929_58006.html, pa. 2
- www.humanrights.asia/opinions/columns/AHRC-ETC-035-2011
- www.conventions.coe.int/treaties/html/185.htm.
- www.unicef.org/media-report.doc.
- www.ecpat.net/eng/Ecpat-inter/publication/other/English
- www.ohchr.org/English/countries/notification/11-c.htm
- www.unchr.ch/html/menu2/t/erc/treate/status